

## بررسی تأثیر جهانی شدن بر فرهنگ سیاسی ایرانیان

علی اکبر طالبی متین<sup>۱</sup>، اسمعیل کاوسی\*<sup>۲</sup>، عباسعلی قیومی<sup>۳</sup>

چکیده	اطلاعات مقاله
<p>این تحقیق در راستای بررسی جهانی شدن و تأثیر آن بر فرهنگ سیاسی ایرانیان انجام شده است. روش تحقیق به کار گرفته شده در این پژوهش از نظر هدف کاربردی، از نظر نوع داده‌ها کمی و از نظر نحوه گردآوری داده‌ها، توصیفی و از نوع همبستگی است. جامعه آماری این تحقیق عبارت از کلیه دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال می‌باشند که تعداد آن‌ها حدوداً ۳۵۰۰۰ نفر می‌باشد. روش نمونه‌گیری در این پژوهش روش نمونه‌گیری ساده می‌باشد. از جامعه آماری مذکور با توجه به ضوابط نمونه‌گیری (براساس شیوه نمونه‌گیری مندرج در جدول مورگان) تعداد ۳۸۴ نفر به عنوان نمونه تحقیق انتخاب شده و سپس با استفاده از پرسشنامه محقق ساخته در سه بعد و ۴۴ گویه تنظیم براساس مقیاس پنج گزینه‌ای لیکرت، و گویه‌های مستخرجه در نمونه آماری تحقیق مورد پرسش قرار گرفته است. در بخش آمار توصیفی نیز، توصیف داده‌ها در دو بخش متغیرهای زمینه‌ای و متغیرهای اصلی ارائه گردیده و در بخش آمار استنباطی، جهت بررسی فرضیه‌ها از آزمون همبستگی پیرسون و رگرسیون خطی ساده استفاده شده است. با توجه به داده‌های تحقیق می‌توان گفت، جهانی شدن بر فرهنگ سیاسی ایرانیان اثر مثبت و معنی داری دارد.</p>	<p><b>نوع مقاله:</b> مقاله پژوهشی</p> <p><b>شاپا الکترونیکی:</b> ۴۵۶۵-۲۷۸۳</p> <p><b>شاپا چاپی:</b> ۹۷۷۵-۲۰۰۸</p> <p><b>تاریخ دریافت:</b> ۱۴۰۱/۱۱/۹</p> <p><b>تاریخ پذیرش:</b> ۱۴۰۲/۲/۲۸</p> <p><b>واژه‌های کلیدی:</b> جهانی شدن، فرهنگ سیاسی ایرانیان، جهانی شدن فرهنگی، جهانی شدن سیاسی، جهانی شدن اقتصادی</p>

لطفاً به این مقاله استناد کنید: طالبی متین، علی اکبر، کاوسی، اسمعیل، قیومی، عباسعلی. (۱۴۰۲). بررسی تأثیر جهانی شدن بر فرهنگ سیاسی ایرانیان. *مطالعات رفتاری در مدیریت* ۱۴(۳۳): ۱۳۱-۱۱۳.

	Creative Commons: CC BY 4.0		
<b>ایمیل:</b> ekavousy@gmail.com		<b>ناشر:</b> دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال	
<b>* نویسنده مسؤول:</b> اسمعیل کاوسی			

۱. دانشجوی دکتری مدیریت فرهنگی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران شمال، تهران، ایران akbar\_matin2000@yahoo.com

۲. استاد گروه مدیریت فرهنگی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران شمال، تهران، ایران ekavousy@gmail.com

۳. دانشیار گروه مدیریت فرهنگی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران شمال، تهران، ایران ghaiyoomi@gmail.com

## مقدمه

فرهنگ سیاسی، یکی از مهمترین عوامل شکل دهنده رفتار و کنش های سیاسی افراد یک جامعه می باشد. چرا که فرهنگ سیاسی می تواند با تحمیل الگوها و ارزش های غیر ارادی، کنش های افراد را به عنوان بازیگران سیاسی تحت تأثیر قرار دهد. شناخت فرهنگ سیاسی هر جامعه ای به دلیل آن که اساساً در طی فرایند تاریخی و تحت تأثیر عوامل متعدد از موقعیت جغرافیایی گرفته تا ویژگی های نظام سیاسی آن جامعه شکل یافته از پیچیدگی خاصی برخوردار است.

صفحات تاریخ ایران را که ورق می زیم نکته ای به روشنی قابل مشاهده است. رواج استبداد و اقتدارگرایی در سرزمینی که از تاریخ و تمدنی کهن برخوردار است. از پادشاهی های کهن ایرانی مانند بزرگ امپراتوری های هخامنشی، اشکانی و ساسانی گرفته تا نظام های سیاسی پا گرفته بعد از نفوذ اسلام به ایران یک ویژگی در میان تمامی نظام های سیاسی - با وجود تفاوت های اساسی در شکل حکومت داری، نخبگان حاکم و ایدئولوژی مسلط - مشترک بوده است و آن همانا ساخت قدرت اقتدارگرایانه است.

در سال های اخیر، اهمیت نقش ارزش های توده در سیاست و گذار به دموکراسی و جایگاه امر فرهنگی در تبیین مسائل سیاسی با وجود تغییرات گسترده از انتخابات وایمار (اینگلهارت و ولزل، ۱۳۸۹) تا فروپاشی دیوار برلین برجستگی خاصی یافته است. فرهنگ سیاسی یکی از مفاهیم مورد مناقشه در علوم اجتماعی و سیاسی معاصر است. نظریه پردازان، تصویر متقاعدکننده ای از نقش تعیین کننده فرهنگ سیاسی ارائه نداده اند و البته هم زمان، تحلیل گران از کنار گذاشتن این مفهوم در تبیین پیامدهای تجربی نیز ناکام بوده اند. فرهنگ سیاسی به بهترین وجه و برحسب چارچوبی درک می شود که برای رفتار سیاسی فردی و گروهی فراهم می کند. فرهنگ سیاسی شاید با افکار، نگرش ها، تصورات و ارزش های سیاسی افراد و گروه ها و همچنین طیفی از اقدامات پذیرفتنی فهمیده می شود که از ذهنیت های فوق نشئت می گیرد. فرهنگ سیاسی به ندرت عامل تعیین رفتار در موقعیت ها یا در پاسخ به موضوعات سیاسی است. در عوض، اثر و نفوذ فرهنگ سیاسی در توانایی برای اعمال محدودیت های ثابت بر رفتار سیاسی و تعیین مسیر کنش سیاسی در نظام های سیاسی خاص قرار دارد. مفهوم فرهنگ سیاسی از قرن ها عمومیت یافتن وجوه متفاوت قدرت در موقعیت ها و مکان های مختلف استخراج شد. «طبايع» افلاطون، «روح قوانین» منتسکیو، «اخلاقیات» ژان ژاک روسو، «معیارهای» دیوید هیوم، «عادات قلبی و درونی» الکس دو توکویل، «وجدان جمعی» امیل دورکیم و «نظام های اقتدار» ماکس وبر، همگی جزء موارد پیشینه تبارشناسانه این مفهوم هستند. فرضیه اصلی رهیافت فرهنگ سیاسی به منتسکیو (۱۹۸۹) (۱۷۴۸)) و ارسطو باز می شود. هر دو آنها بیان می کردند نهادهای یک جامعه، «فضیلت های» خاصی را منعکس می کنند که در میان شهروندان رایج هستند. توکویل (۱۹۹۴) (۱۸۳۷)) در مطالعه اش از دموکراسی اولیه امریکایی به نتیجه مشابهی رسید؛ بدین صورت که کارکرد نهادها در ایالت متحده، «روح مدنی» مردم این کشور را منعکس می کند. هرودتس و توسیدوس این عقیده را بسیار قبل تر در بحثشان از تفاوت های فرهنگی میان مردم ایران و یونان و میان مردم اسپارت و آتن ثابت کردند. آن ها بیان کردند فضیلت های متفاوتی که این جوامع بر آن تأکید می کنند، برای تمایز ویژگی های سیاست آنها مهم است؛ بنابراین، این بینش که نظام های سیاسی، ارزش های رایج مردم آن کشور را منعکس می کند، از زمان آغاز تحلیل سیاسی تصدیق شده است.

بحث از فرهنگ و تاثیرات و پیامدهای اجتماعی آن از دیرباز مورد توجه علمای سیاست و به ویژه جامعه شناسان بوده است. این که فرهنگ چگونه بر رویدادها و دگرگونی های یک جامعه و در سطحی خردتر یک قوم و یا گروه اثر گذار است و اصولاً چرا مردم این گونه رفتار می کنند که می کنند، همواره مورد توجه بوده است. برخی پاسخ را در زمینه ی سیاست و شکل گیری نوع خاصی از نظام سیاسی یافته اند و برخی نیز در مقوله ای تحت عنوان فرهنگ و تمایزات فرهنگی. اینان بر این باورند زمینه های فرهنگی متفاوت

است که به بروز تفاوت‌ها در سرشت نظام‌های سیاسی، رفتار سیاسی مردمان هر جامعه و مسیری که هر جامعه می‌پیماید، منتج می‌شود. در صفحات پیش رو تلاش می‌شود تا تأثیر فرهنگ سیاسی بر بازتولید اقتدارگرایی در ایران با تأکید بر ضعف شکل‌گیری فردیت، مورد بررسی قرار گیرد.

آلموند، پاول و مونت در اثر مشهور «چارچوبی نظری برای سیاست تطبیقی» فرهنگ سیاسی را این‌گونه تعریف کرده‌اند: «هر فرهنگ سیاسی توزیع خاصی از ایستارها، ارزش‌ها، احساسات، اطلاعات و مهارت‌های سیاسی است. آنان بر این باورند که همان‌گونه که ارزش‌ها و نگرش‌های افراد بر اعمال آنان تأثیر می‌گذارد فرهنگ سیاسی یک ملت نیز بر رفتار شهروندان و رهبران آن در سراسر نظام سیاسی تأثیر می‌گذارد» (آلموند و همکاران، ۱۳۸۱: ۷۱).

۳. فردیت بر اساس تعریف فرهنگ آکسفورد به معنای کیفیت یا شخصیت منحصر به فرد هر کسی یا چیزی است که آن را از دیگر هموعان خود متمایز می‌سازد. (Oxford Dictionary) در این مقاله نیز فردیت در همین مفهوم به کار گرفته شده است و مقصود از آن، «من» هر فرد است که به او استقلال و هویت فردی می‌بخشد. با این همه فردیت با مفاهیمی همچون فردگرایی تشابه بسیاری دارد تا آنجا که برخی این دو را یکسان تعریف کرده‌اند. از جمله جهاننگلو که معتقد است فردیت و فردگرایی در معنای واقعی آن مفهومی است مدرن و برآمده از اندیشه‌های عصر روشنگری در اروپا. فرد در این دوره همانند شهروند دولت‌شهر در قبال جامعه و حفظ دستاوردهای انقلاب [فرانسه] که دموکراسی و حقوق بشر هستند مسئول شناخته می‌شد و این تعریفی است که تا عصر حاضر نیز رواج داشته و مورد قبول متفکران مدرن است (جهاننگلو، ۱۳۸۳: ۱۵۴).

بسیاری بر این باورند که فرهنگ سیاسی یکی از مؤلفه‌های مهم و کارآمد برای درک ویژگی‌ها و تفاوت‌های موجود در هر جامعه و نظام سیاسی است. بحث فرهنگ سیاسی در قرن بیستم به‌ویژه در رابطه با زمینه‌های فرهنگی دیکتاتوری و دموکراسی مطرح شده است. در این ارتباط پرسش اصلی این بود که چه نوع فرهنگ سیاسی مستعد گسترش دموکراسی و یا استقرار دیکتاتوری است؟ (بشیریه، ۱۳۸۱: ۱۵۹). برخی نیز معتقدند فرهنگ سیاسی خود متأثر از فرهنگ عمومی یک جامعه است. «همان‌گونه که فرهنگ عمومی می‌تواند سالم و یا ناسالم باشد، فرهنگ سیاسی نیز می‌تواند بر تساهل و تسامح سیاسی، احترام و اعتماد متقابل، مشارکت-پذیری و برخورد منطقی با نظرات در برداشت‌های سیاسی دیگران مبتنی باشد و فرهنگ سالم سیاسی نام گیرد و یا به تحمل-ناپذیری، بی‌احترامی به نظرات و گرایش‌های سیاسی دیگران، برخوردهای تحریک‌کننده و تخریبی در قلمرو سیاسی و به عبارتی فرهنگ ناسالم سیاسی نامیده شود» (ازغندی، ۱۳۸۵: ۷۵ - ۷۴).

فرهنگ سیاسی در فرایند تاریخی شکل می‌پذیرد و به این جهت هم است که در بررسی فرهنگ سیاسی هر جامعه باید ویژگی‌هایی را در نظر گرفت که ریشه در تاریخ آن جامعه دارند. از سوی دیگر تعاریف متعددی از این مفهوم که از سوی اندیشمندان مختلف ارائه شده، نیز بر این پیچیدگی افزوده است. به همین جهت است که نخستین قدم برای شناخت فرهنگ سیاسی ارائه تعریفی از آن است.

واژه فرهنگ سیاسی، که معادل «Political culture» در انگلیسی است، پس از جنگ جهانی دوم در ادبیات توسعه سیاسی به مفهوم امروزی آن مطرح شده است. واژه فرهنگ سیاسی را در جامعه‌شناسی سیاسی و علم سیاست برای اولین بار «گابریل آلموند» به کار گرفت. به نظر وی، هر نظام سیاسی در درون الگوها و ارزش‌های خاص از سمت‌گیری برای کنش سیاسی فعالیت دارد، که خوب است آن را فرهنگ سیاسی بنامیم. تعبیر فرهنگ سیاسی را هم چنین می‌توان در نوشته‌های جامعه‌شناختی و مردم‌شناختی و هم چنان کسانی که در زمینه فرهنگ و شخصیت کار کرده‌اند، دنبال کرد. فرهنگ سیاسی هر جامعه‌ای انباشت تاریخی از ارزش‌ها

و سنت‌هایی است که جهت‌گیری مردم نسبت به اقتدار سیاسی و کارکرد نهاد دولت و آگاهی آنان از فرایندهای تأثیرگذاری بر تصمیم‌گیری‌های سیاسی را تعیین می‌کند. در تعریف دیگری در مورد فرهنگ سیاسی گفته شده که: جنبه‌های خاصی از فرهنگ عمومی جامعه که به زندگی سیاسی نظر دارد و به مسایلی چون چگونگی حکومت کردن و چگونگی حکومت می‌پردازد، فرهنگ سیاسی می‌نامند.

در ایران نیز موضوع فرهنگ سیاسی در سال‌های اخیر شایان توجه متفکران حوزه‌های مختلف علوم اجتماعی قرار گرفته است و تحلیلگران بر نبود فرهنگ سیاسی دموکراتیک به‌عنوان یکی از علل مهم تحکیم‌بخشیدن دموکراسی در ایران تأکید کرده‌اند. برخی بر وجود انگاره‌های غیردموکراتیک (بدبینی سیاسی، بی‌تفاوتی و بی‌اعتمادی) در میان ایرانیان تأکید کرده‌اند (سیونگ‌یو، ۱۳۸۱؛ رزاقی، ۱۳۷۵؛ سریع‌القلم ۱۳۸۹؛ زونیز، ۱۹۷۱) و برخی بدون آنکه درباره میزان دموکراتیک‌بودن فرهنگ سیاسی در ایران گزاره‌ای بیان کنند مدعی‌اند علل ساختاری برای تبیین دموکراسی در ایران کافی نیست و باید به علل ارادی توجه ویژه داشت. از این دیدگاه، میزان اراده و انسجام حاملان دموکراسی در استفاده از فرصت‌ها یا میزان آمادگی مخالفان دموکراسی برای پذیرش سازوکارهای دموکراتیک - که هر دو متأثر از فرهنگ سیاسی هستند - نقش تعیین‌کننده‌ای در تحکیم دموکراسی در ایران دارند (جلایی‌پور، ۱۳۸۱: ۳۴۰-۳۴۰؛ جلایی‌پور، ۱۳۸۳: ۹۸).

علاوه بر آن، ایران از جوامع چندفرهنگی است که شکاف‌های مبتنی بر قومیت دارد. اگرچه در تاریخ طولانی ایران‌زمین، نشانه‌های بسیاری از هم‌زیستی اقوام و مذاهب یافت می‌شود، با تغییر زاویه دید، این تاریخ مملو از کینه‌توزی‌های قومی و تصفیه‌های مذهبی از سلطان محمود با عنوان شیخ‌کشی تا کریم‌خان زند در حمله به کرمان، است (احمدی، ۱۳۹۰: ۲۵۶-۲۲۹)؛ با توجه به مطالب فوق، در این تحقیق تأثیر جهانی شدن بر فرهنگ سیاسی ایرانیان مورد بررسی قرار گرفته است.

### پیشینه تحقیق:

ازجمله پژوهش‌های انجام‌شده در این حوزه می‌توان به پژوهشی که یعقوب کوهستانی باعنوان «تأثیر جهانی شدن بر فرهنگ سیاسی جمهوری اسلامی ایران از ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۶» انجام داده است اشاره کرد. نتایج تحقیق نشان داد که جهانی شدن بر فرهنگ سیاسی و سبک زندگی و گرایش‌های سیاسی بین جوانان در مقوله‌هایی چون تمایل جوانان به حزب، تمایل جوانان به شرکت در انتخابات و رأی دادن و متأثر کردن جوانان از رسانه‌ها تأثیرگذار بوده است. (کوهستانی، ۱۴۰۰). مریم حسنی نیز پژوهشی باعنوان «بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی شهروندان تهرانی» انجام داده است. براساس نتایج پژوهش، بین مشارکت سیاسی، رضایت اجتماعی، مشارکت اجتماعی، اعتماد اجتماعی و رضایت سیاسی رابطه معناداری وجود دارد. (حسینی، ۱۳۹۹) همچنین ریحانه قادری پژوهشی باعنوان «موانع فرهنگی توسعه سیاسی در ایران» انجام داده است. نتایج تحقیق نشان داد که وجود ساختارهای اجتماعی به خصوصیات فرهنگی متناقضی انجامیده است که در فرهنگ سیاسی تبلور یافته و به عنوان مانع جدی بر سر راه توسعه سیاسی در ایران قرار گرفته شد. (قادری، ۱۳۹۶) احسان نوریان، زهرا مسعود، و محمدباقر منصورزاده، نیز پژوهشی باعنوان «تأثیر فرهنگ سیاسی بر توسعه سیاسی در جمهوری اسلامی ایران» انجام داده است. نتایج تحقیق نشان داد که توسعه سیاسی مشارکت سیاسی آگاهانه می‌باشد به استدلال این پژوهش در ایران هرگز به طور مستمر عینیت نیافته است. (نوریان، مسعود و منصورزاده، ۱۳۹۷) بعلاوه، پژوهشی باعنوان «بررسی عوامل اجتماعی، فردی و فرهنگی مؤثر بر مشارکت سیاسی جوانان (مطالعه موردی: شهرستان نورآباد ممسنی)» توسط ریحانه نگین تاجی و حمید کشاورز، انجام گرفت، نتایج پژوهش نشان داد که بین مشارکت

سیاسی جوانان برحسب جنسیت و تحصیلات تفاوت معنیداری به دست نیامده است. نتایج تی تست دو نمونه‌ای نشان داد بین مشارکت سیاسی جوانان برحسب وضعیت تأهل و محل سکونت تفاوت معنی داری وجود دارد. بدین ترتیب جوانان متأهل بیشتر از جوانان مجرد و جوانان ساکن شهر بیشتر از جوانان ساکن روستا به مشارکت سیاسی می‌پردازند. نتایج رگرسیون چند متغیره نشان داد که چهار متغیر سیاسی بودن دوستان، رسانه‌های جمعی، سیاسی بودن خانواده و متأهل بودن در مجموع توانسته‌اند ۸/۶۴ درصد از واریانس متغیر وابسته یعنی مشارکت سیاسی جوانان را پیشبینی یا تحلیل کنند. (نگین تاجی و کشاورز، ۱۳۹۴). آمنة صدیقیان بیدگلی نیز پژوهشی با عنوان «فرهنگ سیاسی دانشجویان» انجام داده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که فرهنگ سیاسی حاکم بر دانشجویان در ۴ بعد دانش سیاسی، ارزش‌ها، باورهای سیاسی و مشارکت سیاسی بررسی شده است و در نهایت در طبقه بندی فرهنگ بسته، تبعی و مشارکت جو طبقه بندی شده است. (آمنة صدیقیان بیدگلی، ۱۳۹۴)

## مبانی نظری و مدل مفهومی تحقیق

### جهانی شدن

تعریف جهانی شدن بسیار پیچیده است چنانکه اولریش بک<sup>۱</sup> می‌گوید «جهانی شدن به ندرت تعریف شده است و یکی از مبهم‌ترین و بدفهمیده شده‌ترین و در عین حال یکی از تأثیرگذارترین مفاهیم سیاسی در هر زبانی است» (Archer et al. 2017: 1). اولین کسی که جهانی شدن را تعریف کرد رونالد رابرتسون بود. او جهانی شدن را به‌عنوان «فهم جهان و ادراک فزاینده از جهان به‌عنوان یک کلیت» تعریف کرد. مارتین آلبرو و الیزابت کینگ<sup>۲</sup> جهانی شدن را «تمام فرایندهایی که به‌وسیله آن مردم جهان در یک جامعه واحد جهانی تقسیم می‌شوند» تعریف کرده‌اند. دیوید هلد معتقد است «جهانی شدن به‌هم‌پیوست جهانی سریع، عمیق و در مقیاسی وسیع است» (Cuterela. 2012: 138-139).

مطابق تعریف گیدنز «جهانی شدن تشدید یافتن روابط اجتماعی جهان گستر است که مناطق دور از هم را چنان به هم نزدیک می‌کند که رخدادهای محلی به‌وسیله رخدادهایی که هزاران مایل آن طرف تر اتفاق افتاده است شکل می‌گیرند». آپادورای پنج ویزگی جهانی شدن را در حوزه‌های گستره قومی، گستره فناوری، گستره مالی، گستره رسانه و گستره اندیشه بررسی می‌کند و معتقد است در نهایت این جریان‌ها منجر به سرزمین‌زدایی شدن جهان می‌شود (Harmanci. 2017: 61). فریدمن از طرفداران جهانی شدن معتقد است که جهانی شدن گریزناپذیر و ماندگار است. از نظر او «جهانی شدن افراد، شرکت‌ها و دولت‌ها - ملت‌ها را قادر می‌سازد که سریع‌تر، عمیق‌تر و ارزان‌تر از هر زمانی به سراسر جهان دسترسی پیدا کنند و جهان را نیز قادر می‌سازد تا سریع‌تر، عمیق‌تر و ارزان‌تر از هر زمانی به افراد، شرکت‌ها و دولت - ملت‌ها دسترسی داشته باشد» (Jabbara and Dwivedi. 2016: 1102).

جهانی شدن فرهنگی عبارت است از گسترش سنت‌ها، آداب و رسوم و ارزش‌های مناطقی به مناطق دیگر از طرق تعاملات. سه نظریه در صدد برآمده‌اند که جهانی شدن فرهنگی را توضیح دهند؛ نظریه فرهنگ چیره، نظریه برخورد تمدن‌ها و نظریه درهم آمیزی<sup>۳</sup>. نظریه چیره‌گی فرهنگی معتقد است که با افزایش تعاملات بین کشورها، فرهنگی که پرنفوذتر و غنی‌تر باشد چیره می‌شود و لذا سنت‌ها، باورها و حتی آداب و رسوم غذایی و لباس پوشیدن فرهنگ برتر در بقیه مناطق جهان رواج پیدا می‌کند. نظریه برخورد تمدن‌ها معتقد است با گسترش تهدیدات ناشی از تعاملات، موجودیت‌های فرهنگی انعطاف‌ناپذیرتر و تغییرناپذیرتر

1. Ulrich Beck
2. Elizabeth King
3. hybridity

شده و برای حفاظت از خودشان به عنوان یک هویت واحد به خشونت‌های قومی، مذهبی، نژادی و ملی هم دست می‌زنند. نظریه درهم‌آمیزی معتقد است که با افزایش جابجایی و تماس‌ها، مرزهای سنتی از بین می‌رود و انتقال‌پذیری فرهنگ‌ها هم ساده‌تر می‌شود. از این رو امکان خالص ماندن فرهنگ‌ها غیرممکن می‌شود و هر فرهنگی عناصری از فرهنگ‌های دیگر را در خود جذب می‌کند (Onwe and Nwogbaga. 2014: 281-282).

هرچند تغییرات ناشی از جهانی‌شدن منحصر به کشورهای جهان سوم نیست، با این وجود می‌توان گفت تغییرات مذکور در کشورهای توسعه‌یافته و غربی بیشتر کمی، و در کشورهای جهان سوم کیفی است. کشورهای جهان سوم در عصر جهانی‌شدن به کلی با یک جهان دیگری مواجه شده‌اند، تا جایی که برخی معتقدند رنسانسی که در قرن پانزدهم در غرب آغاز شد در کشورهای جهان سوم با روند جهانی‌شدن در حال تحقق است (Cossa. 2015: 159-160). به تعبیر راجاگوپال، نویسنده هندی، مهم‌ترین تغییراتی که در نتیجه جهانی‌شدن در کشورهای جهان سوم به وجود آمده، تحول در معرفت‌شناسی و جهان‌بینی افراد است (Rajagopal. 1999: 11). از نظر رابرتسون نیز جهانی‌شدن باعث شده است که مفهوم «جهان» تبدیل به یکی از کانون‌های ارجاع در کشورهای جهان سوم (Albrow. 2012: 372). در این راستا، جهانی‌شدن به کمک گسترش فناوری ارتباطات و اطلاعات، توانسته است مفاهیمی همچون بازار آزاد، انتخاب فردی، مصرف‌گرایی و حقوق مشترک بشر را به متن جامعه و توده‌ها در کشورهای جهان سوم ببرد.

### فرهنگ سیاسی

فرهنگ سیاسی به «مجموعه‌ای از نگرش‌ها و باورها و احساسات اکثریت اعضای یک جامعه نسبت به سیاست و حکومت» اطلاق شده و دربردارنده «عقاید اعضای آن جامعه نسبت به مبانی فکری و قواعد رفتاری یک نظام سیاسی» است. فرهنگ سیاسی یک جامعه می‌تواند شامل عقاید آرمان‌گرایانه یا عقاید عمل‌گرایانه باشد. فرهنگ سیاسی یک جامعه از درک ذهنی افراد نسبت به ابعاد سیاست نشأت می‌گیرد و از تاریخچه سیاسی و اجتماعی و تجربیات آن جامعه تأثیر می‌پذیرد. (International Encyclopedia of the Social Sciences, 1968, Vol. 12, p. 218). رونالد اینگلهارت از جمله اندیشمندانی است که در چارچوب رهیافت توسعه انسانی به فرهنگ سیاسی نگرسته و مطالعات متعدد را در این باره انجام داده است. رونالد اینگلهارت عنوان می‌کند فرهنگ نسبت به ادبیات دو دهه گذشته نقش بسیار حیاتی‌تری در دموکراسی دارد. براساس بحث او «به نظر می‌رسد توسعه اقتصادی تغییرات تدریجی فرهنگی را موجب می‌شود که توده مردم را احتمالاً به‌طور فزاینده‌ای خواهان نهادهای دموکراتیک می‌کند و آنها از دموکراسی در جایی حمایت بیشتری خواهند کرد که وجود دارد» (Inglehart, 2000:6-95). پژوهش اینگلهارت و ولزل شکل دگرگون‌شده‌ای از نظریه نوسازی است که رشد انتخاب انسانی را موضوع زیربنایی توسعه اجتماعی اقتصادی، رشد ارزش‌های ابراز وجود و تقویت نهادهای دموکراتیک ملاحظه می‌کند. آنها تأکید می‌کنند «ما با سن (۱۹۹۹) و آناند و سن (۲۰۰۰) موافقیم که تأکید کردند گسترش انتخاب انسانی، ذات توسعه اجتماعی است؛ اما مفهوم سن از توسعه انسانی را به حیطه فرهنگ گسترش دادیم که پیوستگی ضروری میان توسعه اقتصادی و آزادی دموکراتیک ایجاد می‌کند» (اینگلهارت، ولزل، ۱۳۸۹: ۳۷۷). اینگلهارت و ولزل با بررسی تأثیر توسعه اجتماعی اقتصادی بر رشد ارزش‌های ابراز وجود بیان می‌کنند سنت‌های فرهنگی به‌طور چشمگیری پایدار بوده‌اند و رفتار اقتصادی و سیاسی امروز جوامع را شکل می‌دهند و از سوی

#### 1. Point of reference

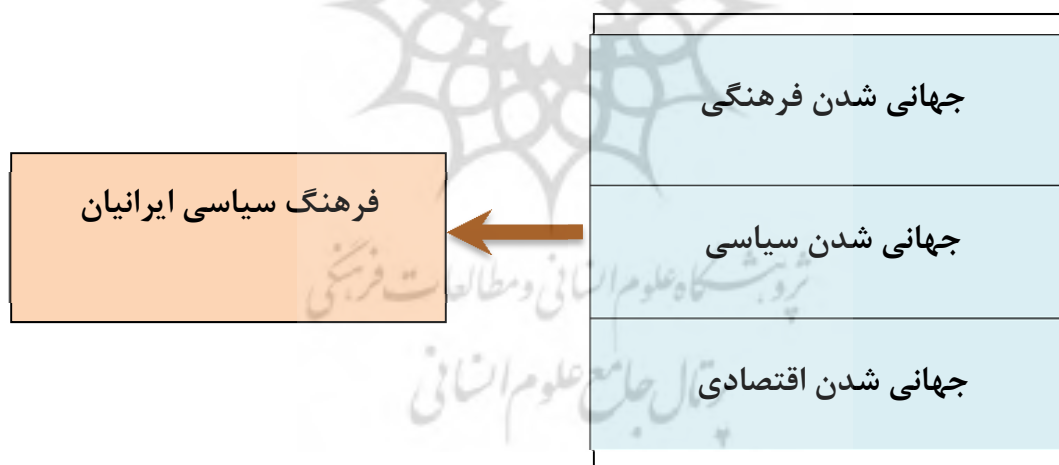
دیگر، ظهور جامعه صنعتی با تغییر فرهنگی یکسان در نظام ارزش‌های سنتی مرتبط است (اینگلهارت، ولزل، ۱۳۸۹: ۴۴). آن‌ها برآند نوع فرهنگ سیاسی مناسب دموکراسی، خواه رسمی یا کارآمد، در بردارنده مقوله‌های سندروم انسانی یا ارزش‌های ابراز وجود یا به عبارت دیگر، رهانیده است. مقوله‌های شاخص ارزش‌های ابراز وجود، ارزش‌های فرامادی گرایی، برابری جنسیتی، شاخص استقلال و تساهل نسبت به دیگران را شامل می‌شوند. بر این اساس، افراد دارای نوع دموکراتیک فرهنگ سیاسی از ارزش‌های فرامادی برخوردار بوده و نگرش مثبتی نسبت به برابری جنسیتی داشته‌اند؛ همچنین بر ویژگی‌های استقلال و خودمختاری فردی تأکید کرده‌اند و رویکرد متساهلانه‌ای در برخورد با «غیر» دارند (اینگلهارت و ولزل، ۱۳۸۹: ۱۳۲).

فرهنگ سیاسی به مثابه عقاید، نگرش‌ها، ارزش‌ها، ایده آل‌ها و احساسات افراد و ارزیابی آنها از نظام سیاسی کشورشان و نقش خود در آن نظام سازمان بخش کنش سیاسی فرد و تبیین کننده رابطه افراد با نظام سیاسی و بالعکس، می‌باشد. این مفهوم ابزار مناسبی است برای تحلیل کنش سیاسی افراد و فهم این که مردم چگونه بر نظام سیاسی‌شان تأثیر می‌گذارند و بالعکس از آن تأثیر می‌پذیرند.

### مدل تحقیق

متغیر مستقل: جهانی شدن (جهانی شدن فرهنگی، جهانی شدن سیاسی، جهانی شدن اقتصادی)

متغیر وابسته: فرهنگ سیاسی ایرانیان



نمودار ۱. مدل تحلیلی تحقیق - محقق ساخته بر گرفته از ادبیات تحقیق

### فرضیه‌های تحقیق:

#### فرضیه اصلی:

جهانی شدن بر فرهنگ سیاسی ایرانیان مؤثر می‌باشد.

### فرضیه‌های فرعی

- جهانی شدن فرهنگی بر فرهنگ سیاسی ایرانیان مؤثر می‌باشد.
- جهانی شدن سیاسی بر فرهنگ سیاسی ایرانیان مؤثر می‌باشد.
- جهانی شدن اقتصادی بر فرهنگ سیاسی ایرانیان مؤثر می‌باشد.

### روش تحقیق

تحقیق حاضر از نوع کاربردی می‌باشد زیرا هدف از انجام این تحقیق توسعه دانش کاربردی در یک زمینه خاص، به قصد کاربرد نتایج یافته‌ها برای توسعه قابلیت اعتماد می‌باشد. همچنین در زمینه‌ی نحوه گردآوری داده‌ها نیز مطالعه حاضر مطالعه‌ای توصیفی از نوع پیمایشی است. جامعه آماری این تحقیق عبارت از کلیه دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال می‌باشند که تعداد آن‌ها حدوداً ۳۵۰۰۰ نفر می‌باشد. از جامعه آماری مذکور با توجه به ضوابط نمونه‌گیری (بر اساس شیوه نمونه‌گیری مندرج در جدول مورگان) تعداد ۳۸۴ نفر به عنوان نمونه تحقیق انتخاب شده‌اند. در این مطالعه به منظور تحلیل داده‌ها از دو رویکرد کلی آماری آمار توصیفی و آمار استنباطی استفاده گردید. آمار توصیفی به منظور توصیف ویژگی‌های جمعیت شناختی جامعه آماری در کنار سنجش شاخص‌های پراکندگی داده‌ها مورد استفاده قرار گرفت. همچنین، آمار استنباطی و به کارگیری آزمون همبستگی پیرسون و رگرسیون خطی ساده برای بررسی معناداری تأثیر مفروض متغیرها بر یکدیگر مورد استفاده قرار گرفت. مطالعه حاضر دربردارنده یک فرضیه اصلی و ۳ فرضیه فرعی می‌باشد.

### یافته‌های تحقیق:

#### آزمون فرضیه‌های تحقیق

#### فرضیه اصلی

جهانی شدن بر فرهنگ سیاسی ایرانیان مؤثر می‌باشد.

جدول ۱. خلاصه نتایج توصیفی مدل رگرسیونی فرضیه اصلی

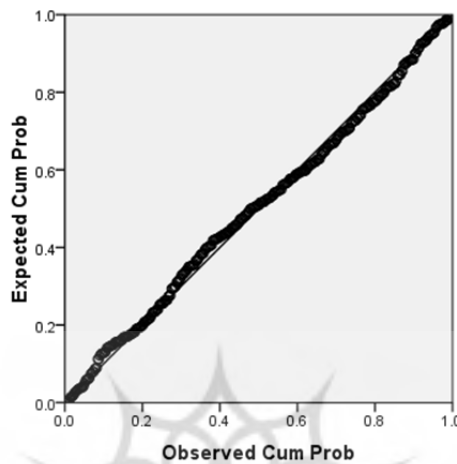
ضریب	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	آماره دورین واتسون	آماره F	سطح معنی داری
۰/۳۷۸	۰/۳۷۱	۱/۸۶۸	۱۵/۱۷۹	۰/۰۰۰	

مقدار ضریب تعیین ۰/۳۷۸ می‌باشد که این موید آن است که ۳۷/۸٪ از تغییرات متغیر وابسته به کمک متغیر مستقل قابل تبیین است. به عبارتی ۳۷/۸٪ از تغییرات در فرهنگ سیاسی ایرانیان توسط جهانی شدن تبیین می‌شود. در این فرضیه مقدار آماره دورین واتسون برابر ۱/۸۶۸ به دست آمده است که بسیار مناسب است. با توجه به مقدار آماره آزمون F و معنی داری آن در سطح اطمینان بالای ۹۵٪ معادله رگرسیون معتبر بوده و نتایج آن قابل تحلیل است.



• بررسی نرمال بودن خطاها در مدل رگرسیون

همانطور که در نمودار ۲ مشاهده می‌گردد تمرکز نقاط پیرامون این خط بسیار زیاد بود و تقریباً روی یک خط راست است و نقاط دور افتاده از خط راست مشاهده نمی‌گردد. بنابراین توزیع خطاها از توزیع نرمال پیروی می‌کند و مدل رگرسیون برازش مناسبی دارد.



نمودار ۲. بررسی نرمال بودن مانده‌های رگرسیونی فرضیه اصلی

با توجه به نمودار فوق می‌توان گفت مانده‌های رگرسیونی نرمال می‌باشد.

جدول ۲. تحلیل رگرسیونی و ضرایب رگرسیون فرضیه اصلی

متغیر	B	خطای استاندارد	BETA (ضریب استاندارد شده بتا)	آماره t	سطح معنی داری
عدد ثابت	۲/۶۵۷	۰/۱۵۷		۱۶/۹۱۴	۰/۰۰۰
جهانی شدن	۰/۶۸۴	۰/۰۴۷	۰/۶۱۵	۱۴/۵۵۳	۰/۰۰۰

با توجه به جدول مقابل مشاهده می‌شود سطح معنی داری متغیر جهانی شدن (۰/۰۰۰) کمتر از ۰/۰۵ است ( $\text{sig} < 0.05$ )، بنابراین متغیر جهانی شدن وارد مدل رگرسیونی می‌شود. با توجه به مثبت بودن ضریب رگرسیونی (B) می‌توان گفت متغیر جهانی شدن بر فرهنگ سیاسی ایرانیان اثر مثبت و معناداری دارد. فرضیه فوق تأیید می‌گردد.

فرضیه فرعی اول:

جهانی شدن فرهنگی بر فرهنگ سیاسی ایرانیان مؤثر می‌باشد.

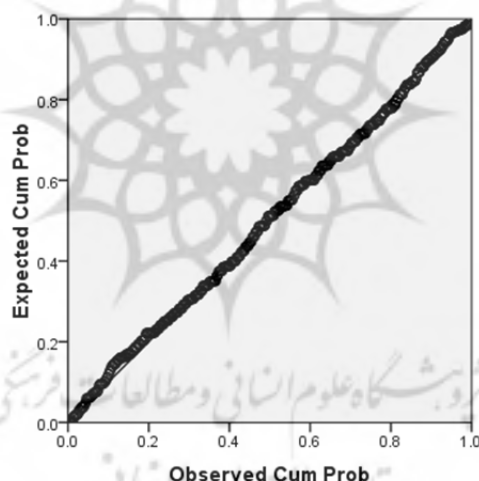
جدول ۳. خلاصه نتایج توصیفی مدل رگرسیونی فرضیه فرعی اول

ضریب	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	آماره دوریین واتسون	آماره F	سطح معنی داری
۰/۶۵۲	۰/۴۲۵	۰/۴۲۱	۱/۷۵۸	۸/۵۰۹	۰/۰۰۰

مقدار ضریب تعیین ۰/۴۲۵ می باشد که این موید آن است که ۴۲/۵٪ از تغییرات متغیر وابسته به کمک متغیر مستقل قابل تبیین است. به عبارتی ۴۲/۵٪ از تغییرات در فرهنگ سیاسی ایرانیان توسط جهانی شدن فرهنگی تبیین می شود. در این فرضیه مقدار آماره دوریین واتسون برابر ۱/۷۵۸ به دست آمده است که بسیار مناسب است. با توجه به مقدار آماره آزمون F و معنی داری آن در سطح اطمینان بالای ۹۵٪ معادله رگرسیون معتبر بوده و نتایج آن قابل تحلیل است.

#### • بررسی نرمال بودن خطاها در مدل رگرسیون

همانطور که در نمودار ۳ مشاهده می گردد تمرکز نقاط پیرامون این خط بسیار زیاد بود و تقریباً روی یک خط راست است و نقاط دور افتاده از خط راست مشاهده نمی گردد. بنابراین توزیع خطاها از توزیع نرمال پیروی می کند و مدل رگرسیون برازش مناسبی دارد.



نمودار ۳. بررسی نرمال بودن مانده‌های رگرسیونی فرضیه فرعی اول

با توجه به نمودار فوق می توان گفت مانده‌های رگرسیونی نرمال می باشد.

جدول ۴. تحلیل رگرسیونی و ضرایب رگرسیون فرضیه فرعی اول

متغیر	B	خطای استاندارد	BETA (ضریب استاندارد شده بتا)	آماره t	سطح معنی داری
عدد ثابت	۳/۵۶۳	۰/۱۰۴	-	۳۴/۳۹۱	۰/۰۰۰
پاسخگویی	۰/۵۹۱	۰/۰۶۱	۰/۴۲۵	۹/۶۸۸	۰/۰۰۰

با توجه به جدول مقابل مشاهده می‌شود سطح معنی داری متغیر پاسخگویی (۰/۰۰۰) کمتر از ۰/۰۵ است ( $sig < 0.05$ )، بنابراین متغیر پاسخگویی وارد مدل رگرسیونی می‌شود. با توجه به مثبت بودن ضریب رگرسیونی (B) می‌توان گفت متغیر جهانی شدن فرهنگی بر فرهنگ سیاسی ایرانیان اثر مثبت و معناداری دارد. فرضیه فوق تأیید می‌گردد.

#### فرضیه فرعی دوم:

جهانی شدن سیاسی بر فرهنگ سیاسی ایرانیان مؤثر می‌باشد.

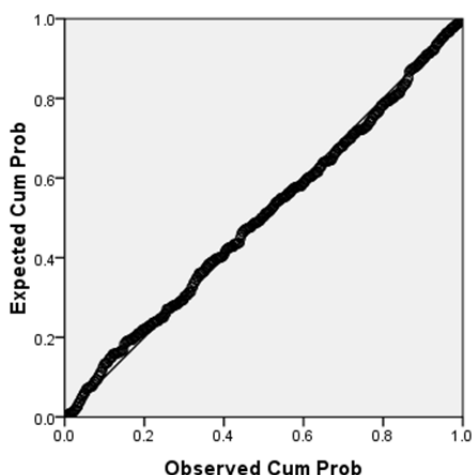
جدول ۵. خلاصه نتایج توصیفی مدل رگرسیونی فرضیه فرعی دوم

ضریب	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	آماره دورین واتسون	آماره F	سطح معنی داری
۰/۵۳۵	۰/۲۸۶	۰/۲۵۳	۱/۹۹۸	۲۲/۳۱۶	۰/۰۰۰

مقدار ضریب تعیین ۰/۲۸۶ می‌باشد که این موید آن است که ۲۸/۶٪ از تغییرات متغیر وابسته به کمک متغیر مستقل قابل تبیین است. به عبارتی ۲۸/۶٪ از تغییرات در فرهنگ سیاسی ایرانیان توسط جهانی شدن سیاسی تبیین می‌شود. در این فرضیه مقدار آماره دورین واتسون برابر ۱/۹۹۸ به دست آمده است که بسیار مناسب است. با توجه به مقدار آماره آزمون F و معنی داری آن در سطح اطمینان بالای ۹۵٪ معادله رگرسیون معتبر بوده و نتایج آن قابل تحلیل است.

#### • بررسی نرمال بودن خطاها در مدل رگرسیون

همانطور که در نمودار ۴ مشاهده می‌گردد تمرکز نقاط پیرامون این خط بسیار زیاد بود و تقریباً روی یک خط راست است و نقاط دور افتاده از خط راست مشاهده نمی‌گردد. بنابراین توزیع خطاها از توزیع نرمال پیروی می‌کند و مدل رگرسیون برازش مناسبی دارد.



نمودار ۴. بررسی نرمال بودن مانده‌های رگرسیونی فرضیه فرعی دوم

با توجه به نمودار فوق می‌توان گفت مانده‌های رگرسیونی نرمال می‌باشد.

جدول ۶. تحلیل رگرسیونی و ضرایب رگرسیون فرضیه فرعی دوم

متغیر	B	خطای استاندارد	BETA (ضریب استاندارد شده بتا)	آماره t	سطح معنی داری
عدد ثابت	۲/۸۰۷	۰/۰۹۹	-	۲۸/۴۸۲	۰/۰۰۰
قابلیت اعتماد	۰/۶۳	۰/۰۴۹	۰/۵۳۵	۱۲/۸۵۷	۰/۰۰۰

با توجه به جدول مقابل مشاهده می‌شود سطح معنی داری متغیر قابلیت اعتماد (۰/۰۰۰) کمتر از ۰/۰۵ است ( $\text{sig} < 0.05$ )، بنابراین متغیر جهانی شدن سیاسی وارد مدل رگرسیونی می‌شود. با توجه به مثبت بودن ضریب رگرسیونی (B) می‌توان گفت متغیر جهانی شدن سیاسی بر فرهنگ سیاسی ایرانیان اثر مثبت و معناداری دارد. فرضیه فوق تأیید می‌گردد.

**فرضیه فرعی سوم:**

**جهانی شدن اقتصادی بر فرهنگ سیاسی ایرانیان مؤثر می‌باشد.**

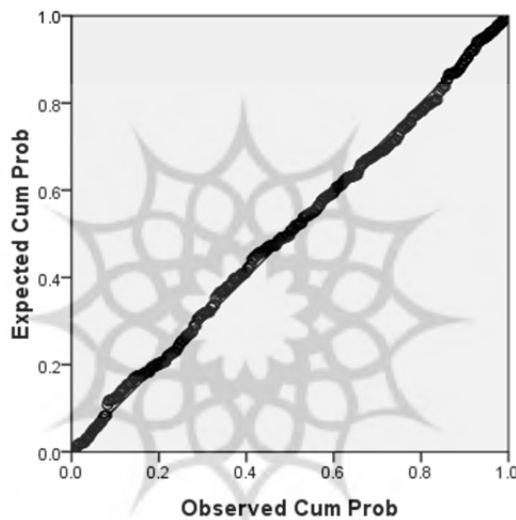
جدول ۷. خلاصه نتایج توصیفی مدل رگرسیونی فرضیه فرعی سوم

ضریب	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	آماره دوربین واتسون	آماره F	سطح معنی داری
۰/۳۹۴	۰/۱۵۵	۰/۱۳۵	۲/۰۳۲	۱۴/۹۴۷	۰/۰۰۰

مقدار ضریب تعیین ۰/۱۵۵ می باشد که این موید آن است که ۱۵/۵٪ از تغییرات متغیر وابسته به کمک متغیر مستقل قابل تبیین است. به عبارتی ۱۵۵/۵٪ از تغییرات در فرهنگ سیاسی ایرانیان توسط جهانی شدن اقتصادی تبیین می شود. در این فرضیه مقدار آماره دوربین واتسون برابر ۲/۰۳۲ به دست آمده است که بسیار مناسب است. با توجه به مقدار آماره آزمون F و معنی داری آن در سطح اطمینان بالای ۹۵٪ معادله رگرسیون معتبر بوده و نتایج آن قابل تحلیل است.

• بررسی نرمال بودن خطاها در مدل رگرسیون

همانطور که در نمودار ۵ مشاهده می گردد تمرکز نقاط پیرامون این خط بسیار زیاد بود و تقریباً روی یک خط راست است و نقاط دور افتاده از خط راست مشاهده نمی گردد. بنابراین توزیع خطاها از توزیع نرمال پیروی می کند و مدل رگرسیون برازش مناسبی دارد.



نمودار ۵. بررسی نرمال بودن مانده های رگرسیونی فرضیه فرعی سوم

با توجه به نمودار فوق می توان گفت مانده های رگرسیونی نرمال می باشد.

جدول ۸. تحلیل رگرسیونی و ضرایب رگرسیون فرضیه فرعی سوم

متغیر	B	خطای استاندارد	BETA (ضریب استاندارد شده بتا)	آماره t	سطح معنی داری
عدد ثابت	۲/۹۹۶	۰/۰۷۲	-	۴۱/۷۱۶	۰/۰۰۰
اطمینان دهی	۰/۴۸۲	۰/۰۴۳	۰/۳۹۴	۱۱/۲۰۹	۰/۰۰۰

با توجه به جدول مقابل مشاهده می‌شود سطح معنی‌داری متغیر اطمینان دهی (۰/۰۰۰) کمتر از ۰/۰۵ است ( $\text{sig} < 0.05$ )، بنابراین متغیر جهانی شدن اقتصادی وارد مدل رگرسیونی می‌شود. با توجه به مثبت بودن ضریب رگرسیونی (B) می‌توان گفت جهانی شدن اقتصادی بر فرهنگ سیاسی ایرانیان اثر مثبت و معناداری دارد. فرضیه فوق تأیید می‌گردد.

### بررسی مدل تحقیق

با توجه به نتایج به دست آمده از فرضیه‌ها مشخص گردید متغیرهای جهانی شدن فرهنگی، جهانی شدن سیاسی و جهانی شدن اقتصادی بر فرهنگ سیاسی ایرانیان مؤثر می‌باشد اثر مثبت و معناداری دارند. حال با کمک رگرسیون خطی چندگانه متغیرها رتبه می‌شوند. در این مدل رگرسیونی متغیرهای جهانی شدن فرهنگی، جهانی شدن سیاسی، جهانی شدن اقتصادی مستقل و متغیر فرهنگ سیاسی ایرانیان متغیر وابسته است.

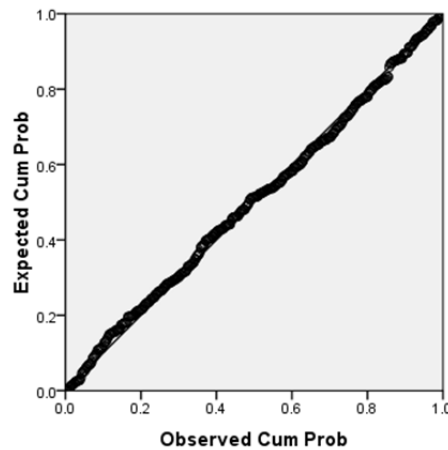
جدول ۹. خلاصه نتایج توصیفی مدل رگرسیونی

ضریب	ضریب تعیین	ضریب تعیین شده	آماره دوربین واتسون	آماره F	سطح معنی‌داری
۰/۶۶۳	۰/۴۳۹	۰/۴۳۵	۱/۹۱۸	۱۲/۷۶۶	۰/۰۰۰

مقدار ضریب تعیین ۰/۴۳۹ می‌باشد که این موید آن است که ۴۳/۹٪ از تغییرات متغیر وابسته به کمک متغیر مستقل قابل تبیین است. به عبارتی ۴۳/۹٪ از تغییرات در فرهنگ سیاسی ایرانیان توسط جهانی شدن اقتصادی تبیین می‌شود. در این فرضیه مقدار آماره دوربین واتسون برابر ۱/۹۱۸ به دست آمده است که بسیار مناسب است. با توجه به مقدار آماره آزمون F و معنی‌داری آن در سطح اطمینان بالای ۹۵٪ معادله رگرسیون معتبر بوده و نتایج آن قابل تحلیل است.

### • بررسی نرمال بودن خطاها در مدل رگرسیون

همانطور که در نمودار ۶ مشاهده می‌گردد تمرکز نقاط پیرامون این خط بسیار زیاد بود و تقریباً روی یک خط راست است و نقاط دور افتاده از خط راست مشاهده نمی‌گردد. بنابراین توزیع خطاها از توزیع نرمال پیروی می‌کند و مدل رگرسیون برازش مناسبی دارد.



نمودار ۶. بررسی نرمال بودن مانده‌های رگرسیونی

با توجه به نمودار فوق می‌توان گفت مانده‌های رگرسیونی نرمال می‌باشد.

جدول ۱۰. تحلیل رگرسیونی و ضرایب رگرسیون

متغیر	B	خطای استاندارد	BETA (ضریب استاندارد شده بتا)	آماره t	سطح معنی داری
عدد ثابت	۲/۸۲۷	۰/۱۷۱	-	۱۶/۵۲	۰/۰۰۰
جهانی شدن فرهنگی	۰/۴۷۱	۰/۰۶۱	۰/۴۰۲	۷/۷۲۱	۰/۰۰۰
جهانی شدن سیاسی	۰/۶۲۳	۰/۰۴۹	۰/۴۸۸	۱۲/۷۱۴	۰/۰۰۰
جهانی شدن اقتصادی	۰/۳۹۴	۰/۰۴۳	۰/۳۲۵	۹/۱۶۲	۰/۰۰۰

با توجه به جدول مقابل مشاهده می‌شود سطح معنی داری متغیر جهانی شدن فرهنگی، جهانی شدن سیاسی و جهانی شدن اقتصادی (۰/۰۰۰) کمتر از ۰/۰۵ است ( $sig < 0.05$ )، بنابراین متغیر جهانی شدن فرهنگی، جهانی شدن سیاسی و جهانی شدن اقتصادی وارد مدل رگرسیونی می‌شوند. با توجه به مثبت بودن ضریب رگرسیونی (B) می‌توان گفت متغیر جهانی شدن فرهنگی، جهانی شدن سیاسی و جهانی شدن اقتصادی بر فرهنگ سیاسی ایرانیان اثر مثبت و معناداری دارند. با توجه به مقدار قدرمطلق ضریب بتای استاندارد شده می‌توان گفت متغیر جهانی شدن سیاسی با ضریب ۰/۴۸۸ بیشترین تأثیر را بر فرهنگ سیاسی ایرانیان دارد و متغیر جهانی شدن سیاسی با ضریب ۰/۳۲۵ کمترین تأثیر را بر فرهنگ سیاسی ایرانیان دارد. متغیرها به ترتیب اثرگذاری عبارتند از: جهانی شدن سیاسی، جهانی شدن فرهنگی و جهانی شدن اقتصادی

## نتیجه گیری

فرهنگ سیاسی در هر جامعه، تابعی از فرهنگ عمومی آن است و این تابعیت در جوامع مختلف قابل مشاهده است. تمایز فرهنگ سیاسی از فرهنگ عمومی بدین جهت است که محور اصلی آن بیشتر بر شناخت مردم از نحوه کار کرد قدرت و اقتدار، هم از لحاظ اصولی و هم در عمل قرار دارد. در واقع، فرهنگ سیاسی است که قواعد بنیادین را برای به اجرا در آوردن سیاست وضع می کند و همین فرهنگ است که تصورات و اعتقادات مشترکی را که بنیادهای اصلی زندگی سیاسی یک کشور هستند، معین می کند. به نظر «لوسین پای»، فرهنگ سیاسی عبارت است از دیدگاه‌ها، احساسات سیاسی و ادراکاتی که رفتار سیاسی افراد را در هر جامعه‌ای تعیین کرده و هدایت می کند. البته احساس‌ها و ادراکات سیاسی، هر دو بر رفتار سیاسی افراد در یک جامعه تأثیر گذارند و به طور طبیعی می توان جوامع مختلف را از این بُعد هم مورد مطالعه قرار داد، که رفتارهای آن‌ها بیشتر از روی احساس‌های سیاسی و یا از روی ادراکات سیاسی است و به عبارت دیگر، کنش‌های آن‌ها عقلی است یا احساسی و عاطفی؟ با مطالعه فرهنگ سیاسی کشورها و جوامع مختلف، می توان تفاوت رفتار سیاسی آن‌ها را درک کرد. هر دولت و نظام سیاسی در بستر اجتماعی عمل می کنند. به همین سبب است که در حفظ قدرت و استمرار حاکمیت و صیانت از آن نیازمند فرهنگ سیاسی خاصی است که با شکل دهی به این بستر، بقای آن را تضمین نماید. به عبارت دیگر، هماهنگی میان فرهنگ سیاسی و نظام سیاسی موجب ثبات سیاسی می گردد. در مجموع می توان گفت که فرهنگ سیاسی مبین ایستارها، بینش‌ها، اطلاعات و مهارت های سیاسی است. در واقع تشریح رویکرد مردم یک کشور به نظام سیاسی می تواند ما را در تشخیص و شناسایی فرهنگ سیاسی آن جامعه کمک کند. فرهنگ سیاسی بیانگر و نشان دهنده سطح دانش و آگاهی طبقات گوناگون، اقشار اجتماعی و افراد یک جامعه از قدرت و سیاست است. به طور مثال یکی از اجزای فرهنگ سیاسی در جوامعی چون افغانستان، بی اعتنایی و یا بی علاقه‌گی سیاسی می باشد. کمبود علاقه به سیاست یا احساس عدم تعهد سیاسی و عدم درک مسائلی که اساساً ریشه اجتماعی دارد، بیانگر بی عملی و بی علاقه‌گی سیاسی است. بی علاقه‌گی سیاسی دارای اشکال و دلایل مختلف می باشد. بی علاقه‌گی به سیاست به این دلیل که تصور می شود، سیاست فقط مربوط به گروه‌های کوچک، انگشت شمار و برگزیده مردم است و اکثریت مردم نمی توانند در آن نقشی داشته باشند؛ که این خرده فرهنگ در فرهنگ سیاسی جامعه ما، یکی از عوامل بی اعتنایی سیاسی بوده که پیامدهای بحران زا را در حوزه سیاست در پی داشته و دارد. دیگر این که، مخالفت کردن با سیاست و مردود شمردن نظام‌های سیاسی در موقعی که فرد، نیروی خود را برای دخالت در آن کافی نمی داند، مهم ترین دلایل آن به شمار می رود. این همه بر می گردد به فرهنگ سیاسی بی که فرد در آن قرار دارد.

همچنین یکی از اصلی ترین شاخص‌های تأثیر گذار بر روند نو سازی جامعه، فرهنگ سیاسی است. کشورهایی که از فرهنگ سیاسی پیچیده و درهم تنیده بی بر خوردارند، در روند توسعه با مشکلاتی رو به رو می شوند. درهم تنیدگی لایه‌های مختلف فرهنگ سیاسی یکی از عوامل اضطراب‌ها و هیه جانان سیاسی در حوزه‌های جغرافیایی و کشورهای در حال توسعه است. با توجه به نقش فرهنگ سیاسی در ساختار حکومتی کشورهای مختلف می توان گفت، ظهور ناآرامی‌های داخلی، جدال‌های سیاسی و شورش‌های اجتماعی، پیوند بسیار زیادی با ساختار و کیفیت فرهنگ سیاسی کشورها دارد. صاحب نظران بر این اعتقاد هستند که در یک نظام سیاسی نسبتاً باثبات که تمامی ساخت‌ها، نهادها و فرآیندهای سیاسی به تقویت و حمایت از یک دیگر تمایل دارند، فرهنگ سیاسی یک پارچه بی وجود دارد. انسجام و یک پارچگی در فرهنگ سیاسی، عامل اصلی همگونی و هماهنگی در سمت گیری رفتار شهروندان است. در این گونه جوامع رهبران سیاسی نیز از هماهنگی، همخوانی و تجانس برخوردارند.



## فهرست منابع

- احمدی، ی. (۱۳۹۰). «رویکردهای قومی و گونه‌شناسی فرهنگ سیاسی، مطالعه موردی، شهر سنندج»، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، دوره چهارم، ش ۴، ص ۲۵۶-۲۲۹.
- ازغندی، علیرضا (۱۳۷۶). ناکارآمدی نخبگان سیاسی در ایران بین دو انقلاب، تهران: قومس.
- ازغندی، علیرضا (۱۳۸۵). درآمدی بر جامعه‌شناسی ایران، تهران: نشر قومس.
- آلموند، گابریل، پاول بینگهام، و رابرت جی مونت (۱۳۸۱). چهارچوبی نظری برای بررسی سیاست تطبیقی، ترجمه علیرضا طیب، تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی، چاپ سوم.
- جلایی‌پور، ح. ر. (۱۳۸۱). جامعه‌شناسی جنبش‌های اجتماعی، تهران: انتشارات طرح نو.
- جلایی‌پور، ح. ر. (۱۳۸۳). «دموکراسی گفت‌وگویی با اشاره‌ای به ایران»، مجله انجمن جامعه‌شناسی ایران، ش ۱۷، صص ۱۶۰-۱۷۱.
- جهانبگلو، رامین (۱۳۸۳). موج چهارم، تهران: نشر نی.
- جهانگیری، مسعود، ۱۳۹۴، توسعه سیاسی و موانع آن در ایران و کشورهای خاور میانه، کنفرانس بین‌المللی علوم انسانی، روانشناسی و علوم اجتماعی، تهران، <https://civilica.com/doc/436125>
- حسینی، مریم، ۱۳۹۹، بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی شهروندان تهرانی، سومین کنفرانس بین‌المللی مطالعات اجتماعی، حقوق و فرهنگ عامه، تهران، <https://civilica.com/doc/1147419>
- رزاقی، س. (۱۳۷۵). «مؤلفه‌های فرهنگ سیاسی ما»، مجله نقد و نظر، ش ۷ و ۸، صص ۲۰۰-۲۱۳.
- سیونگ یو، د. (۱۳۸۱). پایداری فرهنگ سیاسی سنتی در برابر توسعه سیاسی در کره و ایران، تهران: انتشارات خانه سبز.
- صدیقیان بیدگلی، آمنه، ۱۳۹۴، فرهنگ سیاسی دانشجویان، دومین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های نوین در مدیریت، اقتصاد و علوم انسانی، <https://civilica.com/doc/493745>
- قادری، ریحانه، ۱۳۹۶، موانع فرهنگی توسعه سیاسی در ایران، اولین کنفرانس بین‌المللی توسعه و ترویج علوم انسانی در جامعه، تهران، <https://civilica.com/doc/653098>
- کوهستانی، یعقوب، ۱۴۰۰، تأثیر جهانی شدن بر فرهنگ سیاسی جمهوری اسلامی ایران از ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۶، اولین کنفرانس حقوق، علوم سیاسی و علوم انسانی، <https://civilica.com/doc/1217539>
- نگین تاجی، ریحانه و کشاورز، حمید، ۱۳۹۴، بررسی عوامل اجتماعی، فردی و فرهنگی مؤثر بر مشارکت سیاسی جوانان (مطالعه موردی: شهرستان نورآباد ممسنی)، کنفرانس بین‌المللی علوم انسانی، روانشناسی و علوم اجتماعی، تهران، <https://civilica.com/doc/436293>
- نوریان، احسان و مسعود، زهرا و منصورزاده، محمدباقر، ۱۳۹۷، تأثیر فرهنگ سیاسی بر توسعه سیاسی در جمهوری اسلامی ایران، سومین همایش بین‌المللی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی، <https://civilica.com/doc/787431>
- Albrow, Martin. (2012). The impact of globalization on sociological concepts: Community, culture and milieu, Innovation. The European Journal of Social Science Research, Vol. 1, Ko. 4.
- Archer, Kevin. Martin, Bosman. Mark Amen. Ella, Schmidt. (2017). Locating Globalizations and Cultures, Globalizations.
- Cossa, José. (2015). African Renaissance and Globalization: A Conceptual Analysis and a Way Forward. Ufahamu, 38:3.

- Cuterela, Sandu. (2012). Globalization: Definition, Processes and Concepts. Revista Română de Statistică, Supliment Trim.
- Harmanci, Nimet. (2017). Consumerism is the Core Ideology of the Capitalism. International Journal of Business, Humanities and Thecnology, Vol. 7, No.4.
- Inglehart, R. (2000) Culture and Democracy, in L.E. Harrison and S.P. Huntington (eds), Culture Matters, How Values Shape the Human Progress, New York ,Basic Books.
- International Encyclopedia of the Social Sciences, New York: Macmillen, 1968, Vol. 12, p. 218 (quoted in Jo Freedman, The Political Culture of the Democratic and Republican Parties (1986).
- Jabbar, Joseph and O. P. Dwivedi. (2016). Globalization, Governance, and Administrative Culture. International Journal of Public Administration, Vol. 27, Nos. 13 & 14, pp. 1101-1127.
- Onwe, Sunday and Nwogbaga, David. (2014). International Journal of Humanities and Social Science, Vol. 4, No. 8.



## Investigate the effect of globalization on Iranian political culture

Ali akbai Talebi Matin<sup>1</sup>, Esmail Kavousi<sup>2\*</sup>, Abbasali Ghayoumi<sup>3</sup>

Article Info	ABSTRACT
<p><b>Article type:</b> Research Article</p> <p><b>eISSN:</b> 2008-9775 <b>pISSN:</b> 2783-4565</p> <p><b>Keywords:</b> globalization, Iranian political culture, cultural globalization, political globalization and economical globalization</p>	<p>The aim of the current applied, descriptive and correlational study was to investigate the effect of globalization on Iranian political culture. The research population comprised 35000 students in Islamic Azad University North Tehran Branch out of whom a sample 384 was randomly selected, based on Morgan Table, to participate in the study. The research data were collected using a researcher-made five-point level Likert scale questionnaire comprising 3 factors and 44 items tapping the participants' responses were. Therefore, 400 questionnaires were distributed among members of the target population. Having distributed and collected the questionnaires, we analyzed descriptively and inferentially. Descriptively, features like absolute and relative frequency, mean, standard deviation and variance of background and main variables were estimated. Inferentially, correlational tests, multiple regression and spirman used indicated that cultural globalization, political globalization and economical globalization had a significant effect on Iranian political culture.</p>

**Please cite this article as:** Talebi Matin, A. A., Kavousi, E., & Ghayoumi, A. (2023). Investigate the effect of globalization on Iranian political culture. *Behavioral Studies in Management*, 14(33), 113-131.



Creative Commons: CC BY 4.0



**Publisher:** Islamic Azad University North Tehran Branch

\* **Corresponding Author:** Esmail Kavousi

**Email:** ekavousy@gmail.com

1. Ph.D. Student, Department Cultural Management, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran  
 2. Professor, Department of Cultural Management and Planning, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran  
 3. Associated Professor, Department of Cultural Management and Planning, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran